

راهبرد نفوذ ایالات متحده آمریکا و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)

رهبر طالعی حور*

رستم بهرامی**

چکیده

الگوی رفتاری حاکم در روابط بین آمریکا و ایران در طول سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر الگوی تخاصم بوده است. آمریکا در طول این مدت راهبردها و سیاست‌های چند جانبه‌ای در ابعاد سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی علیه ایران به کار گرفته است که این راهبردها موفقیت‌های زیادی را برای آن کشور همراه نداشته است. راهبرد نفوذ آمریکا در ایران برای رسیدن به اهداف خود اگرچه در گذشته مطرح بوده است؛ بعد از توافق هسته‌ای بین ایران و گروه ۵+۱، آن کشور را به استفاده از راهبرد نفوذ امیدوار کرده است. اهمیت این راهبرد آمریکا به حدی است که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های خود بعد از توافق هسته‌ای به صورت مکرر بر این امر تأکید نموده‌اند. این نوشتار تلاش دارد با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی ابعاد مختلف این راهبرد و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تبیین نماید.

واژگان کلیدی

نفوذ، جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا، امنیت ملی.

taleihur@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۰/۲

*. دانشجوی دکترای روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه.

** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل.

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۱۳

مقدمه

پیروزی انقلاب اسلامی ایران با آرمانهای جهانی و اهداف ضداستکباری در منطقه‌ای استراتژیک همچون خلیج فارس موجب شد قدرت‌های بزرگ در برابر این نظام، سیاست تقابلی را به کار بگیرند و الگوی رفتاری تعاملی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در روابط ایران و آمریکا حاکم بود جای خود را به الگوی تخاصم و واگرایی داد که با گذشت چندین دهه، این الگوی رفتاری همچنان در روابط دو کشور حاکم است.

این انقلاب که به قول میشل فوکو فیلسوف پسااستخارگرای فرانسوی، نماد چهره چهارم قدرت محسوب می‌شود. (بیابان نورد، ۱۳۸۴) با رویکردی مردمی و براساس ارزش‌های دینی و تمدن اسلامی علیه سلطه نظام‌های خارجی و در رأس آن آمریکا بر شئون دینی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جوامع، تحول جدی و جدیدی را در منطقه و در میان رژیم‌های عرب حاکم کرد که تمام جوامع جهان را چه به صورت دفاع و حمایت و چه به صورت حمله و تهدید، به واکنش واداشت. راهبرد آمریکا در منطقه خاورمیانه در قبال ایران مبتنی بر محدود ساختن، منزوی کردن، و تغییر رفتار ایران است. براساس چنین ادراکی، آمریکا از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تاکنون استراتژی و سیاست خارجی چند جانبه از لحاظ سیاسی، امنیتی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی بر علیه ایران تدوین کرده که حمله به طبرس، تحریک گروه‌های ضد انقلاب در کردستان و گنبد، حمایت نظامی، سیاسی و لجستیکی از عراق در جنگ با ایران، طراحی کودتای نقاب (نوزه)، حمایت از قومیت‌های جدایی طلب، حضور قدرتمندانه در خلیج فارس، تحریم‌های اقتصادی و حمایت رسمی از فتنه سال ۱۳۸۸ نمونه‌هایی از این سیاست‌ها است. ولی این رفتارهای خصمانه باعث نشده که ایران از اهداف و سیاست‌های خود لحظه‌ای عقب نشیند و نرسیدن به هدف، آمریکا را به اتخاذ راهبرد نفوذ واداشته که این موضوع بعد از توافق هسته‌ای بین ایران و کشورهای ۵+۱ بیشتر مطرح می‌شود از این رو پرسش اصلی در مقاله این است که؛ راهبرد نفوذ آمریکا در ایران چه ابعادی داشته و چه تأثیری بر امنیت ملی کشور خواهد داشت؟ در پاسخ به آن می‌توان فرضیه را به این صورت مطرح کرد آمریکا به دلیل نتیجه نگرفتن از راهبردهای گذشته در برابر جمهوری اسلامی ایران، تلاش می‌کند با استفاده از فرصت فراهم شده ناشی از توافق هسته‌ای، راهبرد نفوذ را در رابطه با ایران به کار گرفته تا از طریق نفوذ سیاسی - امنیتی، فرهنگی و اقتصادی در ایران به اهداف خود که همان تغییر رفتار سیاسی است دست یابد. از این رو تلاش می‌شود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی این موارد مورد تبیین قرار گیرد.

تعریف مفاهیم

۱. نفوذ

تاکنون بحث نفوذ در حوزه اطلاعاتی و شبکه‌های جاسوسی تعریف می‌شد که ماهیت سلسله مراتبی و کاملاً پنهان داشت. بدین معنا که در گذشته ما با نفوذ اطلاعاتی مواجه بودیم و اثرگذاری حوزه نفوذ در جمع‌آوری،

تجزیه و تحلیل و کاربرست اطلاعات کسب شده در جهت طراحی و یا اجرایی کردن اهداف طرح‌ریزی شده (توسط دشمن علیه خودی) معنا پیدا می‌کرد. در چنین فضایی، شبکه نفوذ دارای افراد مشخص، ارتباطات تعریف شده و اهداف مشخص و از پیش برنامه‌ریزی شده بود. اما پس از رشد ارتباطات و محوریت یافتن رسانه‌ها در تولید و توزیع اطلاعات و به تبع آن شکل‌دهی به افکار عمومی دیگر موضوع نفوذ در قالب شبکه‌ای مخفی، مبتنی بر ارتباطات تعریف شده و با ماموریتی خاص معنا پیدا نمی‌کند بلکه آنچه که امروزه به‌عنوان نفوذ مطرح است و موضوعیت دارد، فرایند تغییر در قالب‌های ارزشی و ادراکی است. به تعبیری دیگر، در گذشته، نفوذ ماموریت محور و مبتنی بر ساختاری تعریف شده بود اما با تحول به وجود آمده در ماهیت قدرت، نفوذ اساساً در فضایی فراگیرتر و در پهنه‌ای وسیع‌تر به نام ادراک‌سازی معنا می‌یابد؛ لذا در مفهوم جدید نفوذ، به جای آنکه با ساختاری سلسله‌مراتبی و مکانیکی روبه‌رو باشیم، با نفوذ در فضایی آشکار مواجه هستیم که ماهیتی ارگانیکی دارد و البته مبتنی بر دانش است. (محمدی، ۱۳۹۴)

۲. راهبرد

به لحاظ ریشه‌شناسی، واژه «راهبرد»^۱ (استراتژی) مشتق از کلمه یونانی «استراتگوس»^۲ و مرکب از دو لغت «استراتوس»^۳ یعنی قشون و «آگاس»^۴ یعنی راهنما و به معنای فرمانده است. در یونان قدیم، فنون یا نقشه‌هایی که یونانیان و همچنین رومیان برای کسب پیروزی در جنگ به کار می‌بردند «استراتوم»^۵ نامیده می‌شد. بر همین اساس، راهبرد در اصل و در معنای نخستین خود بیانگر حیل‌ها، نقشه‌ها و تدابیر نظامی بود. این اصطلاح در طول زمان به دو گونه معرفت یعنی «دانش طرح‌ها و نقشه‌های نظامی» و دیگری به معنای «دانش حرکات و تاکتیک نظامی» اطلاق می‌گردید. ولی به تدریج فقط در مورد اولی به کار رفت و از همین‌رو، در نخستین تصوّر از راهبرد، آن را شیوه‌ای برای مدیریت صحنه نبرد و غلبه نظامی بر دشمن تلقی می‌کردند. اما در گذر زمان، کلاوزویتس تا حدودی حوزه و گستره کاربرد راهبرد را موسّع‌تر نمود و آن را «فن هدایت نیرو و تطبیق و هماهنگ ساختن نیروها جهت نیل به هدف‌های بزرگ» تعریف کرد. (روشندل، ۱۳۷۰: ۲۴۲ - ۲۳۵)

۳. امنیت ملی

امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت حکومت‌های ملی است، تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج، نسبت به بقای رژیم‌ها، نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند. (ماندل، ۱۳۷۷: ۵۲ - ۵۱)

1. Strategy.
2. Strategus.
3. Stratus.
4. Agaugus.
5. Strategum.

چارچوب نظری، قدرت نرم^۱

برای تعریف قدرت نرم باید ابتدا به تعریف واژه قدرت پرداخت. قدرت توانایی و استعداد فرد برای انجام دادن کار و اعمال اراده بر افراد دیگر به منظور ایجاد رفتار مطلوب است (حافظ نیا، ۱۳۸۲: ۱) در تعریفی دیگر هانس مورگنتا^۲ قدرت را چیزی می‌داند که موجبات اعمال سلطه انسانی بر انسان دیگر را فراهم می‌کند و آن را تداوم می‌بخشد. (قدسی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

قدرت دارای دو وجه نفوذ و زور است؛ وجه نفوذ بیشتر جنبه ذهنی دارد و کشورها و دولت‌ها سعی می‌کنند با اعمال نفوذ بر دیگران قدرت خود را به کار گیرند و اراده خود را تحقق بخشند. وجه زور بیشتر جنبه عینی دارد و بر قدرت نظامی و ابزارهای تنبیهی متکی است. (روشندل، ۱۳۸۷: ۲۳) وجه نفوذ همان مؤلفه‌ای است که از آن به قدرت نرم یاد می‌شود. بنابراین این چارچوب نظری به نظر می‌آید کاربست خوبی برای این مقاله باشد.

نظریه‌پرداز قدرت نرم، «جوزف نای»^۳ محقق آمریکایی است. ایشان در سال ۱۹۹۰ میلادی مفهوم قدرت نرم را در کتاب *ماهیت متغیر قدرت نرم آمریکا*^۴ مطرح و در آن اشاره نمود ایالات متحده نه فقط از لحاظ قدرت نظامی و اقتصادی قوی‌ترین کشور است بلکه در یک بعد دیگر قدرت که همان قدرت نرم است آمریکا یک قدرت مطرح است. جوزف نای می‌نویسد: قدرت نرم توجه ویژه به اشتغال ذهنی جوامع دیگر از طریق ایجاد جاذبه است و زمانی یک کشور یا یک جامعه به قدرت نرم دست می‌یابد که بتواند اطلاعات و دانایی را به منظور پایان بخشیدن به موضوعات مورد اختلاف به کار بندد و از اختلافات به‌گونه‌ای بهره‌برداری نماید که حاصل آن گرفتن امتیاز باشد. (نای، ۱۳۸۷: ۲۶ - ۲۵)

درحقیقت، قدرت نرم یعنی توانایی یک کشور برای جذب سایر کشورها با ایده‌ها؛ ارزش‌ها و ایدئولوژی خود یا توانایی یک کشور برای واداشتن سایر کشورها به اینکه آنها نیز مانند او بیندیشند. این قدرت ارتباط تنگاتنگی با «قدرت‌های بی‌شکل» نظیر فرهنگ، ایدئولوژی و ... دارد. (علی دوستی، ۱۳۸۷: ۵) قدرت نرم یک کشور ممکن است برای کشوری دیگر تهدید نرم باشد و این تهدید زمانی پدید می‌آید که یک ملت یا کشور احساس کند فرهنگ، نهادها و سیاست‌های آن بر اثر بهره‌گیری دشمنانش از قدرت نرم در حال تغییر و استحاله هستند. این تهدیدها اغلب در ابعاد فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی رخ می‌دهند. (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱) تهدید نرم زمانی می‌تواند حداکثر نتایج را برای استفاده‌کننده به همراه داشته باشد که با کشور مورد تهدید تعامل نزدیکی در حوزه‌های مختلف داشته باشد.

1. Soft Power.
2. Hans .J. Morgenta.
3. Joseph Nye.
4. The Changing Nature of American Power.

می‌توان گفت قدرت نرم یکی از نشانه‌های متقاعدسازی بازیگران سیاست بین‌الملل در رقابت‌های محیطی و منطقه‌ای است. چنین رویکردی از سوی نظریه‌پردازان نئولیبرال مورد تأکید قرار گرفته و همواره کارگزاران سیاست خارجی آمریکا را به کاربرد چنین رویکردی تشویق کرده‌اند. واقعیت‌های رفتار سیاست خارجی آمریکا معطوف به شرایطی است که به موجب آن باراک اوباما و جان کری بیش از سایر کارگزاران ۱۵ سال اخیر ایالات متحده از سازوکارهای قدرت نرم برای متقاعدسازی راهبردی بهره گرفته‌اند. (متقی، ۱۳۹۴/۸/۵) بنابراین فرصت فراهم شده بعد از توافق هسته‌ای آمریکا را به بکارگیری یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم که همان نفوذ است بیش از پیش امیدوار کرده و تلاش می‌کند از این راه به اهداف خود که همان تغییر رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران است برسد.

آمریکا و راهبرد نفوذ

راهبرد آمریکا در قبال ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران راهبرد تقابل بود. شکست در به‌کارگیری این راهبرد، آمریکا را به بازنگری آن وادار کرد که این بازنگری در زمان ریاست جمهوری بوش پسر مطرح شد. خانم رایس وزیر امور خارجه وقت آمریکا با صراحت اعلام کرد که راهبرد تقابل همه جانبه با جمهوری اسلامی، نه تنها موجبات فروپاشی نظام اسلامی در ایران را فراهم نساخت، بلکه برعکس این نوع راهبرد، تضعیف ایالات متحده آمریکا از یک طرف و تقویت و قدرت‌یابی جمهوری اسلامی از طرف دیگر را در پی داشت. (جوانی، ۱۳۹۴)

بنابراین شکست‌های پیشین آمریکا از زمان قطع رابطه با ایران در سال ۱۳۵۸ تاکنون، دلیل اصلی تغییر راهبرد از «تقابل» به «تعامل» است. این تغییر راهبرد به‌عنوان یک ضرورت، خروجی برخی از اتاق‌های فکر و اندیشه‌های راهبردی آمریکا طی سال‌های گذشته است. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۷ میلادی یک سال قبل از روی کار آمدن اوباما، مقاله‌ای در فصلنامه واشنگتن پست تحت عنوان «استراتژی برد - برد آمریکا برای تعامل با ایران» منتشر شد. براساس چنین نگرش جدیدی بود که آقای اوباما شعار «تغییر» را برای انتخابات خود برگزید و پس از ورود به کاخ سفید، برای عادی‌سازی رابطه با ایران ابراز تمایل کرد. (همان)

اوباما با استناد به شیوه نیکسون و ریگان در برخورد با چین و شوروی سابق می‌گوید:

من اختلاف‌نظرهای بسیاری با ریچارد نیکسون داشتم اما او فهمید که یک احتمال در قبال چین برای اتخاذ مسیر متفاوت وجود داشت؛ وقتی رونالد ریگان و دیگران درباره توافقات تسلیحاتی با اتحاد شوروی مذاکره کردند بله شما باید این موضوع را به رسمیت بشناسید و تشخیص دهید که این (شوروی) شیطان و اهریمن و سیستم آن وحشتناک است اما در درون آن افرادی با ایده‌ها و خاطرات تاریخی هستند و ما باید قادر به فهم

آن چیزها باشیم و سعی کنیم مقداری با آنها ارتباط برقرار کنیم و این موضوع ارتباط با توسل نیکسون و کیسینجر به چین صادق است که در نهایت معلوم شد بسیار به نفع منافع استراتژیک آمریکا بود. (نویان، ۱۳۹۴)

اوباما در مورد توافق هسته‌ای هم می‌گوید:

به نظر من تندروهایی در داخل ایران حضور دارند که فکر می‌کنند مخالفت با ما (آمریکا) تلاش برای از بین بردن اسرائیل، ایجاد ناامنی در جاهایی مثل سوریه یا یمن یا لبنان کار درستی است. به نظر من در داخل ایران کسان دیگری هم هستند که معتقدند این کار سازنده نیست. اگر ما این توافق هسته‌ای را امضا کنیم، این امکان وجود دارد که موضع این نیروهای میانه‌رو را در داخل ایران تقویت کنیم. (همان)

نیکلاس برنز معاون سابق وزارت خارجه آمریکا این مسئله را این‌گونه بیان می‌کند: «توافق هسته‌ای، توافقی کوچک در مقایسه با همه مسائل مطرح با ایران است. اما این توافق هسته‌ای باید بخشی از سیاست کلی‌تر و هوشمندانه، به منظور مهارکردن ایران باشد. اگر این‌طور باشد، این توافق می‌تواند در مسیر تأمین اهداف مطرح در زمینه منافع ملی آمریکا باشد. (Burns, 2015)

بنابراین آمریکا در قالب راهبرد نفوذ، تلاش می‌کند تا طرح بازسازی شده فروپاشی شوروی^۱ را در جمهوری اسلامی نیز پیگیری نماید. بر همین اساس، اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی» در گزارشی صراحتاً به این موضوع اشاره می‌کند که «در توافق هسته‌ای، این جنبه مثبت وجود دارد که شاید این توافق برایمان تنها ده سال زمان به منظور نابود ساختن حکومت ایران خریده باشد. با در نظر داشتن این مسئله، این مدت زمان باید به‌طور کارآمد مورد استفاده قرار گیرد. تکرار موضع ایالات متحده درباره تضمین فروپاشی پرده آهنین، یک نقطه آغاز محسوب می‌شود. آنچه در فاصله سال‌های ۸۰ - ۱۹۷۹ در لهستان اتفاق افتاد، یک نمونه برجسته قلمداد می‌شود. اعتصاب سال ۱۹۸۰ در کارخانه کشتی‌سازی لنین در گدانسک، در نهایت به فروپاشی امپراتوری شوروی منجر شد. ایالات متحده می‌بایست از فضای به وجود آمده از مذاکرات هسته‌ای

۱. این طرح موفق آمریکا در شوروی بود. یعنی یک ابرقدرت را با یک طرح کاملاً هوشمندانه، با صرف مقداری پول، با خریدن برخی اشخاص و با به‌کار گرفتن رسانه‌های تبلیغی، توانستند طی یک طراحی سه - چهار ساله و یک نتیجه‌گیری شش - هفت ماهه به کلی منهدم کنند و از بین ببرند! در سال ۱۹۸۵ که گورباچف با شعارهای پروستریکا و گلاسنوست روی کار آمد رسانه‌های غربی و آمریکایی با تعریف و تمجید او را مرد سال معرفی کردند. این موضوع سبب اعتماد و درحقیقت فریب او شد. پس از دو سال یلتسین رئیس جمهور روسیه شد و تأکید جدی‌تری بر اصلاحات داشت، به نحوی که گورباچف او را برکنار کرد. این اقدام سبب شد غربی‌ها و آمریکا او را مظلوم قلمداد کنند. پس از انتخاب مجدد او به ریاست جمهوری روسیه، روند اصلاحات و درحقیقت تجزیه شوروی با سرعت زیادی انجام گرفت. به دنبال کناره‌گیری گورباچف، شکست کمونیسم و انحلال شوروی اعلام شد. (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۹/۴/۱۹)

با ایران استفاده کرده و شبکه حامیان غرب در ایران را فعال کند تا از این طریق، تغییرات سیاسی در ایران به وجود آورد. در واقع توافق هسته‌ای کنونی، فرصت منحصر به فردی را برای تمرکز بر تغییر ایران به دست می‌دهد» (Benjamin, 2015)

شورای ملی ایرانیان آمریکا^۱ (NIAC) که متشکل از ایرانیان مقیم آمریکا است، در این راستا هفت استراتژی را به ایالات متحده پیشنهاد می‌دهد.

۱. نشست‌های علمی میان ایران و اروپا - آمریکا (دیپلماسی علمی)؛

۲. اعزام هیأت‌های نمایندگی برای همکاری در مورد انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر مثل خورشیدی و باد؛

۳. فرستادن رئیس کمیته علمی کنگره آمریکا به تهران؛

۴. بازدید رؤسای دانشگاه‌های مهم آمریکا از تهران؛

۵. برنامه‌های بورس کردن دانشجویان ایرانی؛

۶. طرح‌های زیست محیطی در دریاچه ارومیه؛

۷. کمک به کنترل آلودگی هوا در ایران. (Khajeh pour. 2013)

بنابراین توافق هسته‌ای به زعم آمریکا فرصتی را برای اعمال برخی سیاست‌های خود علیه ایران فراهم کرده است و راهبرد نفوذ را در این مقطع راه مناسب برای رسیدن به اهداف خود می‌دانند.

ابعاد راهبرد نفوذ آمریکا در ایران

۱. نفوذ سیاسی

نگاه بیشتر اندیشه‌های آمریکایی به توافق هسته‌ای، نوعی گام راهبردی برای تغییر محاسبات سیاسی مسئولان و حتی تغییر ماهیت نظام اسلامی است. تلاش برای تغییر ادراک و اخلال در دستگاه محاسباتی تصمیم‌گیری و یا تصمیم‌سازی نظام جمهوری اسلامی از جمله رویکردهایی بوده است که همواره در کوران حوادث سیاسی، توسط نظام سلطه علیه ایران مورد استفاده قرار گرفته است. بر این مبنای تلاش کرده‌اند رویکرد نخبگان سیاسی کشور را با اعمال فشارها و تهدیدات فزاینده به سوی تغییر دهند که آنان احساس کنند «هزینه» تقابل با غرب و ایستادگی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی، بسیار بیشتر از «فایده‌های» آن است. همین ایده و وجود گروه‌های سیاسی برانداز داخلی با سابقه انقلابی، زیربنای پروژه انقلاب رنگی نیز به‌شمار می‌آید. (مرادی، ۱۳۹۴)

اواما در ۱۹ مردادماه (۱۱ آگوست ۲۰۱۵) در مصاحبه با وب سایت «Mic» بیان داشت «در داخل ایران باید گذار صورت بگیرد، حتی اگر تدریجی باشد. گذاری که طی آن درک شود که شعار مرگ بر

1. National Iranian American Council.

آمریکا و انکار هولوکاست توسط رهبران ایران، و تهدید اسرائیل به نابودی و دادن اسلحه به حزب الله، گروهی که در فهرست تروریستی قرار دارد، و کارهایی از این دست، از ایران، در چشم بخش اعظم جهانیان، کشوری طرد شده می‌سازد...چنین امری نیازمند تغییر در سیاست و رهبری ایران است. تغییر طرز فکر در زمینه رویکرد ایران به بقیه جهان و رویکردشان به کشورهای مثل ایالات متحده».

(www.mic.com/obama)

«پیتر هارل»^۱ عضو ارشد مرکز امنیت آمریکایی جدید معتقد است: «آمریکا نیاز به تعقیب یک استراتژی اصلاحات سیاسی و اجتماعی در ایران دارد. آمریکا در این موضوع که قبل از انقضای توافق هسته‌ای، شاهد اصلاحات سیاسی در ایران باشد، منفعت و علاقه زیادی دارد. با سرمایه‌گذاری کردن روی توافق هسته‌ای به ترویج اصلاحات در ایران کمک کند تا تعامل بیشتر مؤسسات غیردولتی آمریکایی و بین‌المللی و نهادهای جامعه مدنی در ایران تسهیل شود و نیز (واشنگتن) به باقی‌ماندن در کنار فعالانی در ایران که به دنبال اصلاحات سیاسی در کشور هستند ادامه دهد».

(www.cnas.org/opinion)

بنابراین آمریکایی‌ها به دنبال ایجاد فضایی برای نفوذ در عرصه سیاسی و یا تغییر در روندهای سیاسی و تصمیم‌گیری کشور هستند. برای دستیابی به این هدف نیز از سیاست‌هایی چون ایجاد دو دستگی یا دوگانه‌سازی استفاده می‌کنند. خطاب قرار دادن عده‌ای به‌عنوان «مستعد»، «تجدیدنظرطلب»، «نسل جوان» در اظهارات اوباما، یا «جوانانی که آینده می‌خواهند»، و همچنین قلمداد کردن مخالفین رابطه با آمریکا با عنوان «تندروها» در اظهارات جان کری، از همین دست دوگانه‌سازی‌ها و ایجاد شکاف در جامعه ایران است.

(رحمتی، ۱۳۹۴)

۲. نفوذ فرهنگی

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین راه‌های نفوذ را، نفوذ در حوزه «فرهنگ» جامعه و به موازات آن، زمینه‌سازی برای تغییر ذائقه فرهنگی جامعه دانست. همان‌گونه که «جوزف نای» با خوشحالی از شلواری‌های جین آبی جوانان شوروی یا پخش سریال‌های آمریکایی در تلویزیون نیکاراگوئه در حین تضاد با حکومت آمریکا و آهنگ و شوهای تلویزیونی، به‌عنوان اثرات و منابع قدرت نرم آمریکا یاد می‌کرد. اینک نیز همان الگوی فرهنگی برای تغییر ارزش‌های فردی و سبک زندگی جامعه ایرانی به‌کار می‌رود. (مرادی، ۱۳۹۴)

«مایکل جونز»^۲ محقق و نویسنده آمریکایی و مدیر مسئول نشریه «جنگ فرهنگ‌ها» ماه‌ها قبل با اشاره به این فضا گفته بود: «با هر توافقی، موضوع جنگ فرهنگی علیه ایران و نفوذ فرهنگی آمریکا در ایران افزایش می‌یابد».

1. Piter Harl.
2. michael jones.

«مارک گلن»^۱ نویسنده و تحلیلگر آمریکایی نیز در مصاحبه‌ای با اشاره به تلاش نفوذ فرهنگی برای تغییر در فکر، اندیشه و باور جوانان ایرانی می‌گوید: «داستان اسب تروا^۲ را به یاد بیاورید آمریکایی‌ها دقیقاً قصد دارند این مسئله را در قبال شما اجرا کنند. از طریق رسانه‌ها آنها می‌خواهند هالیوود را به درون خانه‌های ایرانی‌ها بیاورند تا از این طریق جوانان شما را نسخه ایرانی فرهنگ مدنظر خودشان کنند».

(www.bultannews.com)

رهبر معظم انقلاب معتقدند: «دشمن برای نفوذ فرهنگی سعی می‌کند باورهایی را که جامعه را سرپا نگه داشته دگرگون، مخدوش و در آنها رخنه کند.»، «یکی از راه‌های ورود و نفوذ ایجاد خلل در باورها است؛ باور انقلابی، باور دینی. در معرفت‌های انقلابی و دینی اختلال ایجاد می‌کنند؛ رخنه کردن در اینها است. و از همه طرق هم استفاده می‌کنند و آدم‌های گوناگونی هم دارند؛ استاد دانشگاه هم دارند، فعال دانشجویی هم دارند، نخبه فکری و علمی هم دارند؛ همه جور آدمی برای ایجاد این رخنه‌ها هستند» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۶/۲۵)

«آنها به دنبال تأثیرگذاری بر مردم و تغییر طیف وسیعی از باورهای آنان به‌ویژه جوانان و نخبگان هستند که باورهای اعتقادی دینی، سیاسی و فرهنگی مردم از جمله این باورها است.» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۷/۲۰)

سست کردن اعتقادات مردم نسبت به ارزش‌های دینی و کمرنگ جلوه دادن تقوا و ایمان در متن زندگی مردم که مایه اصلی آرامش عمومی جامعه است، از اساسی‌ترین اقدامات آمریکا برای پیاده‌سازی سبک زندگی آمریکایی است.

بی‌توجهی به ایمان و عمل صالح و عدم تصویرسازی صحیح از انسان مؤمن که بتوان آن را به‌عنوان الگویی مناسب به جامعه معرفی کرد، در اکثر آثار سینمای ایران دیده می‌شود. در مقابل نیز قریب به اتفاق فیلم‌های سینمایی با غلبه روح سکولاریسم بر آنها شروع شده و به پایان می‌رسد. روح اومانیسم به‌عنوان نطفه سبک زندگی آمریکایی در اکثر فیلم‌های ایرانی نهفته است. در فیلم‌های اومانیستی سینمای ایران انسان‌های سکولار با سبک زندگی آمریکایی به‌عنوان الگو به جامعه معرفی می‌شوند. انسان‌هایی که با وجود

1. Mark Glenn.

۲. سابقه این استراتژی (اسب تروا) به یونان باستان بر میگردد. شهر تروا، یکی از شهرهای غیر قابل تسخیر بود که نهایتاً با ترفند و حيله‌ای بنام اسب صلح یا اسب تروا که توسط اسپارته‌ها ساخته شد تسخیر گردید. محاصره شهر تروا ۱۰ سال طول کشید. دیوارهای مستحکم عملاً ورود را برای اسپارته‌ها غیر ممکن کرده بود. در سال دهم پیشنهاد شد که اسب چوبی غول پیکری بسازند. حدود ۳۰ تن از جنگجویان یونانی را در آن جای دهند و بقیه جنگجویان سوار کشتی شده و پنهان شوند. به این ترتیب با خالی شدن ساحل شهر تروی، مردم تروی فکر کردند که نهایتاً اسپارته‌ها خسته شدند و به سرزمینشان برگشتند و این اسب چوبی را برای آنها هدیه گذاشتند. آنها اسب چوبی را با خوشحالی به داخل شهر برده و جشن گرفتند. وقتی همه به خواب رفتند سربازان داخل اسب تروا بیرون ریختند و دروازه را باز کردند. همزمان سربازانی که داخل کشتی‌ها پنهان شده بودند نیز برگشتند و به شهر حمله ور شدند، همه جا را آتش زدند و غارت کردند.

عدم برخورداری از حداقل گزاره‌های ایمانی در زندگی شان موفق بوده و شخصیت آنها مورد توجه مخاطب قرار می‌گیرد. بسیار دیده شده است که سینماگر با محور قرار دادن انسان به جای خداوند، زندگی کاملی از یک انسان لیبرال را به تصویر می‌کشد و در برابر آن با تصویرسازی منفی و سیاه از زندگی مومنین آنان را در نگاه مخاطب خوار و ذلیل جلوه می‌دهد. (اقبال افسری، ۱۳۹۴)

غربی‌ها در کنار نفوذ فرهنگی در رسانه‌های خود به دنبال تداعی این موضوع هستند که ظاهر اسلامی جامعه ایران تحت تأثیر تبدیل شدن جوانان لیبرال به اکثریت، آهسته آهسته در حال از بین رفتن است. مجله تایم در شماره ۱۶ نوامبر ۲۰۱۵ خود پرونده‌ای در خصوص فضای سیاست ورزی، اجتماعی و فرهنگی ایران منتشر کرد که در آن اصرار داشت این گزاره را درونی کند که «انقلاب ایران در حال رسیدن به خط پایانی خود است» و «ایران از فضای انقلابی دور شده و جامعه‌ای لیبرال» انتظاری است که بایستی در خصوص ایران سال‌های آینده داشت. برای مثال در جمله پایانی این پرونده نویسنده از مصاحبه‌ای یاد می‌کند که در آن از یک «جوان ایرانی» پرسیده که ایرانیان چه چیزی برای ۱۰ تا ۱۵ سال آینده دوست دارند، به نقل از وی بیان می‌دارد که «آنها دوست دارند که ایدئولوژیک نباشند.» این روندی که توسط مجله تایم اتخاذ شده رویکرد جدیدی نیست، برای مثال نشریه اکونومیست نیز چندی پیش با پرونده‌ای مشابه تحت عنوان «انقلاب ایران تمام شد»، مطالبی مشابه در خصوص تغییر فضای اجتماعی ایران منتشر کرده بود و استدلال کرد که جامعه ایران در حال دوری گزیدن از فضای انقلابی است. (لیلانی، ۱۳۹۴)

در سال‌های اخیر برخی رفتارهای صورت گرفته در داخل از قبیل تلاش برای دعوت از شاعر ضد انقلاب برای جشنواره شعر فجر، تحریف حادثه غدیرخم در روزنامه (غروی، ۱۳۹۲)، برگزاری اردوهای مختلط دانشجویی، برگزاری کنسرت موسیقی و شوی لباس در دانشگاه‌ها به نظر می‌آید از مصادیق عینی نفوذ فرهنگی دشمن در کشور محسوب می‌شود.

۳. نفوذ اقتصادی

اگرچه تأثیر نفوذ اقتصادی در مقایسه با نفوذ سیاسی و فرهنگی کمتر است ولی این نفوذ نیز در نوع خود دارای اهمیت است و مشکلات اقتصادی و معیشتی در کشور باعث شده آمریکا این حوزه را نیز در راهبرد نفوذ خود مورد توجه قرار دهد. اوباما در این مورد می‌گوید:

اگر آنها (ایرانی‌ها) درگیر تجارت بین‌المللی بشوند و سرمایه‌گذارانی در آنجا حاضر شوند و اقتصادشان در اقتصاد جهانی بیشتر ادغام شود، از بسیاری جهات برایشان سخت خواهد بود که رفتارهایی داشته باشند که برخلاف نرّم‌های بین‌المللی است.

نشریه فارن افرز^۱ به قلم اریک لوربر^۲ و الیزابت روزنبرگ^۳ با اشاره به «دیپلماسی دلار» آورده است:

وزارت خزانهداری آمریکا باید با افزایش صدور مجوزهای عمومی به شرکت‌های این کشور اجازه دهد در سرمایه‌گذاری هدفمند در ایران مشارکت کنند. همان‌طور که کاهش اخیر مجوزها برای کوبا نشان داد، مجوزهای عمومی می‌تواند این امکان را برای بانک‌ها و سرمایه‌گذاران آمریکایی فراهم کند تا وجوه لازم برای توسعه و پیشرفت را در ایران فراهم سازند و در نتیجه با اجرای طرح‌ها و فعالیت‌های تجاری جدید موجب تقویت جوانان و کارآفرینان ایرانی شوند. این رویکرد به نوبه خود می‌تواند به پیشبرد منافع آمریکا از طریق ایجاد تغییرات مثبت در ایران کمک کند. علاوه بر این، ارتباط ایران و شرکت‌های تجاری غرب موجب نفوذ اقتصادی ضروری در آینده خواهد شد.

مطرح کردن اینکه دخالت ایران در منطقه برای ایران هزینه‌های زیادی به لحاظ اقتصادی خواهد داشت، یکی از ابزارهایی است که مستلزم کمرنگ شدن نقش ایران در منطقه و مبارزه با سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه خواهد شد.

اوباما در این مورد می‌گوید:

اگر شما یک پایگاه متفاوتی از افراد حاضر در تجارت و تبادلات اقتصادی در داخل ایران داشته باشید این موضوع شاید نحوه تفکر آنها درباره هزینه‌ها و مخارج چنین رفتارهای ثبات‌زدا را تغییر دهد. (نویان، ۱۳۹۴)

تأثیر نفوذ سیاسی آمریکا بر امنیت ملی ج.ا.ایران

از منظر باری بوزان^۴ و مکتب کپنهاک، در شرایط جدید، امنیت، مفهوم سنتی خود را از دست داده است، درحالی‌که در گذشته، امنیت در چارچوب مدل وستفالیای و با ابعاد نظامی نگریسته می‌شد، اما در دوران پسا جنگ سرد، دچار دگرذیسی شد. در دوره جدید، شاهد گسترش دامنه امنیت به ابعاد چندگانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی می‌باشیم. (Buzan & Weaver, 1998) پس با مفروض قرار دادن نظریه مکتب کپنهاک که تعریف موسع از امنیت را مطرح می‌کند، می‌توان گفت که نفوذ آمریکا در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بر امنیت ملی ایران تأثیر گذار بوده که در این بخش به دامنه این تأثیرگذاری اشاره خواهد شد.

1. Foreign Affairs.
2. Eric Lorber.
3. Elizabeth Rozenberg.
4. Bary Buzan.

آمریکایی‌ها با نفوذ سیاسی خود در ایران به دنبال این است که جریان‌های سیاسی غرب‌گرا و متمایل به آن کشور در ایران شکل بگیرد که این امر باعث دو قطبی شدن جریان‌های سیاسی کشور شده و اگر چنین وضعیتی شکل بگیرد احتمالاً دو حالت را شاهد خواهیم بود. حالت اول آن است که ایران بر اثر فشارهای بیرونی و شکل‌گیری دو قطبی‌های درونی و به منظور پیشگیری از معضلات امنیتی و شورش‌های اجتماعی به درخواست قدرت‌های زورگو تن داده و به این ترتیب از راهبردهای خود در منطقه، تصمیمات خود در حوزه‌هایی مانند فناوری موشکی و ... و همچنین اعتقادات خود در زمینه‌های فرهنگی و حقوق بشر چشم‌پوشی کرده و آنها را «تا حد رضایت بخشی برای غرب» کنار بگذارد و اما حالت دوم آن است که با شکل‌گیری دو قطبی‌هایی که عنصر کاتالیزور و قوام بخش آن یک جریان غرب زده داخلی است، اگر جمهوری اسلامی نیز از تمکین به خواست غربی‌ها که با شکل‌گیری دو قطبی‌ها به مطالبه بخشی از افکار عمومی تبدیل خواهد شد، سرباز زد، ناآرامی‌های اجتماعی به شکل گسترده‌ای شکل گرفته و کودتای نرمی همچون آنچه در فتنه ۸۸ به دنبالش بودند رخ دهد. (www.siasatrooz.ir: ۱۳۹۴/۵/۲۸)

رهبر معظم انقلاب درباره نفوذ سیاسی معتقدند: «نفوذ سیاسی هم این است که در مراکز تصمیم‌گیری، و اگر نشد تصمیم‌سازی، نفوذ بکنند. وقتی دستگاه‌های سیاسی و دستگاه‌های مدیریتی یک کشور تحت تأثیر دشمنان مستکبر قرار گرفت، آن وقت همه تصمیم‌گیری‌ها در این کشور بر طبق خواست و میل و اراده مستکبرین انجام خواهد گرفت».

آنها دوست نمی‌دارند که یک نفر از خودشان را بر یک کشوری مسلط بکنند، مثل آن چیزی که در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در هند این کار را کردند؛ از خودشان آنجا مأمور داشتند؛ یک نفر از انگلیس رئیس هند بود. امروز این امکان پذیر نیست؛ برای آنها بهتر این است که از خود آن ملت کسانی در رأس آن کشور باشند که مثل آنها فکر کنند، مثل آنها اراده کنند، مثل آنها و بر طبق مصالح آنها تصمیم بگیرند؛ این نفوذ سیاسی است. [هدف این است که] در مراکز تصمیم‌گیری نفوذ کنند، اگر نتوانستند، در مراکز تصمیم‌سازی [نفوذ کنند]؛ زیرا جاهایی هست که تصمیم‌سازی می‌کند. اینها کارهایی است که دشمن انجام می‌دهد. (رهبر معظم انقلاب ۹۴/۶/۲۵)

پس می‌توان گفت یکی از تاکتیک‌های امریکا برای نفوذ سیاسی در ایران ایجاد یک جریان سیاسی غرب‌گرا است که زمینه را برای شکل‌گیری فضای دو قطبی فراهم می‌کند. ایجاد فضای دو قطبی در مؤلفه‌های سیاسی، قدرت و امنیت ملی، معیشت و توسعه، تحولات منطقه‌ای و حقوق بشر از جمله برنامه‌هایی است که آمریکا تلاش می‌کند تا در آینده آن را در کشور دنبال کنند. (www.siasatrooz.ir)

آمریکایی‌ها در جاهایی که احساس کنند که یک جریان منفعل و آمادگی به تمایلات غرب‌گرایی در یک

کشور وجود دارد، از طریق دیپلماسی و مذاکره سعی می‌کنند آن جریان را فعال کنند و فضا بدهند و میدان تحرک را بالا ببرند. وقتی خودشان می‌گویند که سرآغاز سقوط شوروی توافق‌های هلسینکی ۱۹۷۷ با آمریکا است؛ در توافق هلسینکی امتیازات زیادی هم در موشک‌های سالت به شوروی دادند اما در عین حال شوروی را ملزم به تعهد دادن به برخی شرایط در داخل کشورش کردند که فضا ایجاد کنند برای فعالیت نویسندگان و مطبوعات نئولیبرال (که آن موقع بیشتر لیبرال کلاسیک بودند) فضا ایجاد کنند در واقع برای چین هم همین کار را کردند. (زرشناس، ۱۳۹۴)

یکی از اهداف اصلی راهبرد نفوذ آمریکا مهار تأثیرگذاری و نفوذ جمهوری اسلامی در سطح منطقه است. نفوذ در عراق، سوریه، یمن، لبنان و ... یکی از راهبردهای ج.ا.ا. برای مقابله با آمریکا است که این امر غیر مستقیم بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار است. امریکایی‌ها براساس راهبرد جدید، به دنبال آن هستند تا ایران را از بازیگر فعال منطقه‌ای در مقابل سیاست‌های ایالات متحده به یک شریک و بازیگر منفعل همراه تبدیل سازند که قدر مسلم این امر ضمن مغایرت داشتن با رسالت کشور تبعاتی را در بعد امنیتی متوجه کشور خواهد کرد. چراکه امروز امنیت کشور در مرزهای طبیعی ایران تعریف نشده و حضور در عراق، سوریه و تأثیرگذاری در حزب الله، یمن و ... با هدف تأمین امنیت برای کشور صورت می‌گیرد.

یکی دیگر از پیامد نفوذ سیاسی آمریکا، از بین بردن روحیه استکبارستیزی مردم است، تاریخ نشان داده وقتی این روحیه از بین رفت کشور دچار مشکل شد. رهبر معظم انقلاب معتقدند: «مبارزه با استکبار، مبارزه با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست ... این جزو کارهای ما است، جزو کارهای اساسی است، جزو مبانی انقلاب است. یعنی اگر مبارزه با استکبار نباشد، ما اصلاً تابع قرآن نیستیم. مبارزه با استکبار که تمام نمی‌شود. در مورد مصادیق استکبار، آمریکا اتم مصادیق استکبار است.» (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰) با نفوذ سیاسی، دشمن در چهره استکباری خود نشان داده نخواهد شد و همین امر باعث خواهد شد روحیه استکبارستیزی که یکی از اصول اساسی سیاست خارجی ایران و رسالت کشور است از بین برود.

تأثیر نفوذ فرهنگی بر امنیت ملی

می‌توان گفت، نفوذ فرهنگی دشمن به مراتب خطرناک‌تر از نفوذ سیاسی و اقتصادی است. به لحاظ نقش و جایگاه ویژه‌ای که فرهنگ در تعاملات و مناسبات انسانی دارد، بهره‌برداری سوء از این امکان بشری به وسیله کشورهای سلطه‌گر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ایالات متحده آمریکا با بهره‌گیری از منابع متعدد قدرت نرم خود از جمله سینما و شبکه‌های متعدد ماهواره‌ای به خوبی به خانه‌های مردم ورود کرده و تلاش می‌کند تا فرهنگ آمریکایی را با جذابیت زیاد برای آحاد جامعه نهادینه کند. این بدان جهت است که عموماً فرهنگ عامه دقیقاً تحت کنترل دولت‌ها نیست و

ایالات متحده هم با سرعت شگفت‌آوری در حال فروختن ارزان صنعت فرهنگ عامه‌اش به خریداران خارجی است. (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۴۰)

جوانان که بیش از هر گروه دیگری در معرض تهدید فرهنگی قرار دارند، اکثر جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند که این می‌تواند تبعات امنیتی را برای کشور به همراه داشته باشد. اگرچه جوانان در هر کشوری به خودی خود یک پدیده منفی نیستند و یکی از عناصر قدرت ملی محسوب می‌شوند ولی در نظر نگرفتن گرایش‌ها، نیازها، مطالبات و دغدغه‌های جوانان می‌تواند آنان را تبدیل به یک پدیده ضد امنیتی برای کشور سازد. در معرض انواع تهاجم‌های فکری و فرهنگی قرار گرفتن جوانان از یک طرف و مشکلات داخلی که نظام به لحاظ بر آوردن نیازهای آنان دست به گریبان است از سوی دیگر، جوانان را با یک بحران و خلأ هویتی مواجه کرده است. عواملی مانند دغدغه کاربایی به‌خصوص قشر تحصیل کرده، فقدان یک برنامه جامع برای پاسخ‌گویی به نیازهای جوانان و رو به سستی نهادن روابط میان جوانان با مسئولین بر این بحران بی‌هویتی بیشتر دامن می‌زند. به نظر می‌رسد که امروز جوانان در میان انتخاب سه فرهنگ ملی، اسلامی و غربی با چالش مواجه هستند. برعهده حکومت است که فرهنگ اسلامی - ملی را به‌طور کامل به جوانان شناسانده و برنامه‌ریزی جامع برای جذب آنان به سوی فرهنگ اسلامی و طرد ارزش‌ها و فرهنگ‌های بیگانه و غیرملی داشته باشد. حال اگر نظام مبتنی بر انقلاب نتواند جوابگوی نیازهای مادی و معنوی آنها باشد و اصول و ارزش‌های انقلابی و دینی نیز نتواند به شبهات و دغدغه‌های فکری آنها پاسخ دهد، طبیعی خواهد بود به دنبال الگویی خارج از الگوی فعلی خواهند رفت که مطالبات آنها را برآورده سازند و این امر می‌تواند بر امنیت کشور تأثیرگذار باشد. بنابراین برای جلوگیری از بحران‌های ضد امنیتی حاصل از رشد فزاینده انتظارات جوانان و تزریق آن به جامعه برنامه‌ریزی جامعی می‌بایستی صورت پذیرد.

با وجود نفوذ فرهنگی دشمن به‌عنوان حربه اصلی، به نظر می‌رسد در کشور موضوع امنیت ملی از زاویه فرهنگی بیشتر یک مبحث تشریفاتی است که گویی تا پیش از تبدیل شدن به یک بحران انتظامی و امنیتی، از جایگاهی شایسته در ساختار نظام امنیت ملی کشور برخوردار نیست. صرف‌نظر از این واقعیت، مواجهه غیرفرهنگی با مقوله‌های فرهنگی، موضوعی است که همواره کشور ما را در برابر تهدیدات فرهنگی آسیب‌پذیر ساخته است. این معضل صرف‌نظر از فقدان اعتقاد به وجود تهدید جدی از ناحیه فرهنگی، در فرضی خوش‌بینانه، به خلأ برآورد ملی از تهدیدات و خطرات فرهنگی بازمی‌گردد. علاوه بر این، باید پذیرفت که فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این زاویه، می‌بایست با نگاهی کاملاً تخصصی و از درون توأم باشد و قطعاً نمی‌توان با فرمول‌ها یا نسخه‌های نظامی و امنیتی با تهدیدات فرهنگی مقابله مؤثر کرد. بر این اساس، شش ضعف اساسی در حوزه امنیت ملی، قابل توجه می‌باشد:

۱. فقدان اعتقاد به وجود تهدید امنیتی جدی از زاویه فرهنگی (فقدان درک دقیق از مفهوم و مراتب

تتهاجم فرهنگی) ۲. وجود خلأ فرهنگ در تعریف امنیت ملی جمهوری اسلامی به جهت رشد نامتوازن این مفهوم همگام با تحولات جهانی. ۳. فقدان برآورد ملی از مخاطرات و ترسیم ابعاد و دامنه تهدیدات فرهنگی. ۴. عدم مواجهه تخصصی با مقولات فرهنگی در حوزه امنیت ملی (جمع‌آوری اطلاعات، پردازش، تئوری‌سازی، تعیین استراتژی، تاکتیک، برنامه و اجراء). ۵. فقدان قدرت و اقتدار در مسئول و هماهنگ‌کننده یا رهبری فعال امور فرهنگی (مجامع تصمیم‌گیرنده فرهنگی) ۶. عدم گسترش دانش امنیت بیرون از دایره عناصر نظامی و امنیتی. (فقدان مشارکت‌پذیری در تأمین امنیت ملی) (غلامی، ۱۳۸۳: ۸۴)

تهدیدات فرهنگی که رهبر انقلاب از آنها تحت عنوان «ناتوی فرهنگی» نام برده‌اند، برای کسب قدرت سیاسی با ابزار تخریب اخلاق، مصرف‌گرایی، بی‌اعتنایی به هویت ملی، دلبستگی به ارزش‌های آمریکایی و ... اعمال می‌شوند. این شکل از تهدیدات در کوتاه‌مدت در قالب مسائلی چون مهاجرت نخبگان و تنش‌های سیاسی به شکل اغتشاش در مشروعیت، انسجام و ظرفیت نظام‌های سیاسی به‌عنوان مؤلفه‌های نرم امنیتی، بروز می‌کند، ولیکن در بلندمدت با تغییر در ذائقه عمومی جامعه، به تزلزل اساسی در آن مؤلفه‌های نرم امنیتی و تغییر در جهت‌گیری‌های کلان یک جامعه می‌انجامد. به نظر می‌رسد یکی از اولین گام‌ها در فرایند تغییر ذائقه فرهنگی، اخبار حضور و فعالیت مک دونالد در کشور است. نمادسازی مبتنی بر مک دونالد، تعبیری جز پذیرش سبک زندگی آمریکایی ندارد. (مرادی، ۱۳۹۴)

اگر در بخش فرهنگی در داخل کشور استحالتهای صورت گیرد و جریان حاکم بر کشور از نظر فرهنگی صبغه غرب را به خود بگیرد، به این مفهوم است که کشور هویت اصیل ملی و استقلال خود را از دست داده است و این به معنی از بین رفتن استقلال و امنیت از مسیر استحالته فرهنگی است. اینجاست که رهبری درمندان می‌فرمایند ناگهان چشم باز می‌کنیم، می‌بینیم چه کار خطرناکی صورت گرفته است. هوشیار باشیم، مسیر برای بستن راه نفوذ فرهنگی آمریکا روشن است، همان که رهبر معظم انقلاب فرمودند «مدیریت فرهنگ باید بر مبنای شعارهای انقلاب و مبانی انقلاب باشد؛ خوراک فرهنگی سالم و جلوگیری از خوراک فرهنگی ناسالم و مضر، اساس کار است. دولت اگر می‌بیند تناثری، فیلمی، کتابی، نشریه‌ای و ... با مبانی انقلاب و مبانی اسلام مخالف است، باید جلوگیری را بگیرد و با آن برخورد کند». (رهبر معظم انقلاب، ۹۴/۶/۴)

تأثیر نفوذ اقتصادی بر امنیت ملی

درباره تأثیر نفوذ اقتصادی بر امنیت ملی کشور هشدار رهبر معظم انقلاب می‌تواند نکته مهمی باشد که معتقد است: «در زمینه‌های اقتصادی، چشم‌های بینای مسئولین اقتصادی بایستی باز باشد و مواظب باشند که [دشمنان] نفوذ اقتصادی پیدا نکنند؛ چون نفوذ دشمن پایه اقتصاد محکم را متزلزل می‌کند». (رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۴/۶/۲۵)

ورود هیئت‌های خارجی از نهادهای اقتصادی و پولی بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به کشور ما برای ارائه توصیه‌های متعدد اقتصادی به مسئولان ایرانی از سال‌ها پیش معمول بوده و به دلیل عضویت رسمی ایران در این نهادهای بین‌المللی امری معمولی و پذیرفته تلقی شده است. ولی در برخی سال‌ها، این هیئت‌های بین‌المللی تأثیر مستقیم در تصمیم‌سازی‌های اقتصادی کشور داشته‌اند به گونه‌ای که برخی اقتصاددانان و کارشناسان اعلام کردند، در این دوره برنامه‌های اقتصادی کشور کپی توصیه‌ها و دستورات اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده و سیاست‌های سرمایه‌داری عیناً به دستور آنها عملیاتی شده است. توافق هسته‌ای باعث شده این روزها هم شاهد حضور بیشتر این هیئت‌های خارجی در کشور و برگزاری جلسات پی‌درپی با مقامات اقتصادی هستیم، جلسات مشابیهی هم در سفرهای خارجی مقامات بانک مرکزی و وزارت اقتصاد با مسئولان این نهادها برگزار می‌شود. با توجه به اینکه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از قدیم توسط اروپا و آمریکا اداره شده و دخالت‌های سیاسی این کشورها در مدیریت این نهادهای بین‌المللی آشکار شده است، از طرفی دشمنی‌های آمریکا و اروپا با کشور ما به ویژه در اعمال تحریم‌های اقتصادی هم بر کسی پوشیده نیست، باید در خیرخواهی توصیه‌های اقتصادی سازمان‌های بین‌المللی به ویژه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی با شک و تردید نگریست و مهم‌تر از آن، سازگاری این توصیه‌ها که برگرفته از سیاست‌های اقتصادی سرمایه‌داری است، را با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی سنجید. (حسن نیا، ۱۳۹۴)

امروز آمریکا از طریق شرکت‌های چندملیتی و بین‌المللی در کشورهای مختلف با جذب افراد بومی آن کشور به ایجاد یک نهاد قدرت و ثروت بین‌المللی می‌پردازد و کم‌کم از طریق این افراد راه ورود به سیاست و عرصه‌های دیگر را فراهم می‌کند و نهایتاً عرصه تغییر و استحاله حکومت بسیار آسان‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین راهبرد امروز آمریکا برای نفوذ در سایر کشورها دیگر تعیین پادشاه و براندازی سخت نیست بلکه نفوذ از طریق چنین شرکت‌های چندملیتی است.

یکی دیگر از کانال‌های نفوذ اقتصادی غرب پس از توافق که به نظر می‌رسد جای تأمل و توجه بسیاری دارد این است که شرکت‌های غربی و دولتمردان آنها در سفر به ایران بیش از آنکه اعلام آمادگی جهت گسترش روابط با دولت جمهوری اسلامی ایران داشته باشند، علاقه‌مند به توسعه روابط با شرکا و شرکت‌های خصوصی ایرانی هستند که این خود می‌تواند زمینه‌ساز نفوذ بیش‌تر دشمنان ما در داخل کشور باشد، زیرا در این صورت نه تنها نظارت چندانی بر عملکرد آنها نخواهد بود، بلکه با آزادی عمل بیشتری در عرصه فعالیت‌های اقتصادی خود در ایران عمل خواهند کرد. در این صورت دغدغه‌های مربوط به حمایت از تولید ملی و توانمندسازی متخصصان داخلی که یکی از اصول اساسی اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، به دست فراموشی سپرده شده و کشور را به بیرون وابسته کرده که در بلندمدت می‌تواند تأثیر نامطلوبی بر امنیت

کشور داشته باشد. (ابعاد نفوذ فرهنگی و اقتصادی در اندیشه رهبری، www.sbsso.ir)

یکی از نمونه‌های عینی نفوذ در حوزه اقتصاد بعد از برجام FATF^۱ (گروه ویژه اقدام مالی) است که طی ماه‌های اخیر مطرح شده است. این گروه یک نهاد مالی در ظاهر بین‌المللی است که ذیل گروه G7 شکل گرفته و کار ویژه خود را پیگیری شفافیت مبادلات مالی برای مبارزه با پولشویی خصوصاً در قالب معاملات مواد مخدر و مقابله با تأمین مالی تروریسم اعلام کرده است.

دولت که پس از برجام همواره بر ضرورت برقراری روابط ساختارمند با نهادهای مؤثر بین‌المللی تأکید کرده است، خواستار عضویت در این نهاد است. عضویت در این سازمان می‌تواند تبعاتی را متوجه کشور سازد که اهم آنها عبارتند از:

۱. ارائه اطلاعات نظام مالی ایران به گروه اقدام مالی؛

۲. ارائه اطلاعات نظام مالی ایران به سایر کشورها؛

۳. اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل متحد؛

۴. قرار دادن نام ایران در ردیف کشورهای حامی تروریستی به دلیل حمایت از گروه‌های همچون حزب الله و ...؛

۵. قطع روابط با اشخاص مشمول تحریم‌های آمریکا. (donya-e-eqtasad.com)

نهادهای مالی کشور بجای ایجاد سازوکار بومی شفافیت مالی با پیوستن به این گروه زیر بار استانداردهای شفافیتی می‌روند که G7 تعیین کرده است و در آن اکثر تعریف‌ها مغایر با منافع ملی جمهوری اسلامی است، استانداردهایی که ثمره‌اش تبدیل شدن بانک‌های ایرانی به عاملان اجرای تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا در داخل کشور خواهد بود و اهداف این تحریم‌ها وزارت خانه‌های دولتی، صدا و سیما، وزارت دفاع، اطلاعات، سپاه و چندین چهره تراز اول کشوری و لشکری است که این امر مستقیم بر امنیت ملی کشور تأثیرگذار خواهد بود.

قراردادهای نفتی که در ماه‌های اخیر سر و صدایی در کشور به وجود آورد را می‌توان یکی دیگر از ابعاد نفوذ پس از برجام محسوب کرد. این قرارداد توسط شرکت ملی نفت ایران برای بخش بالادستی طراحی شده بود و کلیه عملیات نفتی از اکتشاف و حفاری تا توسعه و بهره برداری و ازدیاد برداشت را شامل می‌شد که انتقادات جدی را در برداشت که شامل: ۱. برخلاف قانون اساسی، سهمیم شدن شرکت‌های خارجی به مدت طولانی در نفت یک میدان نفتی ۲. عدم وجود هیئت‌های نظارت در قراردادهای نفتی ۳. مشخص نبودن چگونگی انتقال تکنولوژی به طرف ایرانی ۴. عدم صیانت از میدان نفتی توسط طرف خارجی در طول مدت قرارداد. (www.jamnews.ir ۱۳۹۵/۵/۱۴)

انتقادات به نحوی بود که مقام معظم رهبری طی مکاتبه‌ای خواستار اصلاحاتی در این قراردادها شد. نماینده مردم نجف آباد در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: مقام معظم رهبری ۱۵ ایراد اساسی بر این

1. Financial Action Task Force.

قراردادهای نفتی گرفته است که تا به حال سه مورد از این ایرادات برطرف شده و مابقی ایرادات پابرجاست. (www.farsnews.com ۱۳۹۵/۵/۲۷)

سرانجام بررسی انتقادات منجر به اصلاح تصویب نامه موضوع شرایط عمومی «ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز IPC» در هیئت دولت با ۱۵۰ تغییر نسبت به مصوبه قبلی شد. مهم‌ترین تغییر این اصلاحیه، محدود کردن آن به برخی میدین و افزودن چند بند در خصوص شرایط تنظیم قرارداد است. (www.tabnak.ir ۱۳۹۵/۵/۱۶)

نتیجه

موضوع نفوذ آمریکا در ارکان جامعه و حاکمیت کشور، تنها مسئله امروز نیست و بعد از پیروزی انقلاب از سوی آن کشور مورد استفاده قرار گرفته است. اما توافق هسته‌ای به نظر می‌آید فرصت مناسبی را برای پیشبرد نفوذ برای آمریکا فراهم می‌نماید به طوری که رهبر معظم انقلاب بعد از توافق برجام به صورت مکرر به این موضوع اشاره و به راهبرد نفوذ آمریکا در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأکید نموده‌اند و البته مروری بر صحبت‌های مسئولین آمریکا بعد از توافق نیز مبین امر است که آمریکا توافق هسته‌ای با ایران را به عنوان راهی برای تعامل و در نهایت نفوذ می‌داند که این راهبرد را آمریکا در گذشته در برابر شوروی و چین نیز با موفقیت به کار گرفته است. بنابراین می‌توان گفت توافق هسته‌ای ضمن داشتن فرصت، می‌تواند به صورت بالقوه تهدیدی نیز برای کشور محسوب گردد که توجه نکردن به آنها می‌تواند امنیت ملی کشور را تحت تأثیر قرار دهد. امروز آمریکا نفوذ سیاسی را از راه رخنه در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام و عمل مسئولین طبق خواست و اراده دشمن، نفوذ فرهنگی را از طریق ایجاد خلل در باورها و معرفت‌های دینی و انقلابی و نفوذ اقتصادی را از راه ایجاد تزلزل پایه‌های اقتصاد و وادار ساختن کشور به تنظیم تصمیمات و برنامه‌های اقتصادی در جهت اقتصاد غربی و سرمایه‌داری دنبال می‌نماید که عدم توجه جدی به این اهداف آمریکا، کشور را می‌تواند از نظر امنیتی با چالش جدی مواجه سازد. بنابراین بصیرت افزایی و ناامیدسازی دشمن، حفظ وحدت و یکپارچگی جامعه و پرهیز از قطب‌بندی‌های سیاسی می‌تواند راهکارهایی برای مقابله با این راهبرد دشمن باشد که در این باره نقش دستگاه‌های اطلاعاتی، فرهنگی، علمی و اقتصادی بسیار مهم است و کمترین تردید و یا غفلت در این زمینه خسارت‌های جبران ناپذیری را متوجه کشور خواهد کرد.

منابع و مآخذ

۱. آراین اقبال افسری، آراین (۱۳۹۴/۶/۲۹) «نفوذ فرهنگی» و مبانی و مصادیق آن در سینمای ایران/ از ترویج «اومانسیم» تا غیرت زدایی و بی‌حیایی در بین جوانان! قابل دسترسی در:

www.cinemapress.ir/news/66456

۲. ابعاد نفوذ فرهنگی و اقتصادی در اندیشه رهبری، (۱۳۹۴/۷/۶) قابل دسترسی در: www.sbsso.ir
۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹
۴. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۴/۶/۲۵
۵. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس و مدیران سازمان صداوسیما ۱۳۹۴/۷/۲۰
۶. بیابان نورد، علیرضا، ۱۳۸۴، دورنمای ۲۷ سال عملیات روانی آمریکا علیه ایران (از انقلاب تا پرونده هسته‌ای)، قابل دسترسی در: www.arnet.ir/?a=content.id&id=10775&print=1
۷. تصویب قراردادهای نفتی (IPC)، انتقادات همچنان باقی است! (۱۳۹۵/۵/۱۶)، سایت تابناک؛ قابل دسترسی در: www.tabnak.ir/fa/news/612312
۸. جوانی، یداله (۱۳۹۴/۶/۳۱) چیستی و چرایی راهبرد نفوذ آمریکا در پساتوافق قابل دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1394/06/31/867043
۹. حافظ نیا، محمدرضا و دیگران، ۱۳۸۲، تحلیل مبانی جغرافیایی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. حسن نیا، صمد (۱۳۹۴/۸/۹) چهارراه «نفوذ اقتصادی» قابل دسترسی در: www.tasnimnews.com/fa/news/1394/08/09/902400/
۱۱. دنیای اقتصاد (۱۳۹۵/۶/۱۶)، FATF چیست؟ قابل دسترسی در: www.donya-e-eqtasad.com/SiteKhan/1098289
۱۲. رحمتی، مهدی، (۱۳۹۴/۵/۲۷)، گزینه نفوذ، نقشه جدید آمریکا، قابل دسترسی در: www.farsi.khamenei.ir/others-note?id=30532
۱۳. روشندل، جلیل، ۱۳۷۰، تحول در مفهوم استراتژی، «مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۱۴. روشندل، جلیل، ۱۳۸۷، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت، چ ۵.
۱۵. زرشناس، شهریار، ۱۳۹۴، جریان نفوذی که در ارشاد به سلمان رشدی جایزه داد، قابل دسترسی در: www.farhangnews.ir/content/155000
۱۶. علی دوستی، قاسم، ۱۳۸۷، «تهدیدات نرم و رویکردهای مقابله»، ماهنامه نگاه، سال اول، شماره ۲، تهران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح.
۱۷. غلامی، رضا، ۱۳۸۳، «فرهنگ و امنیت ملی»، فصلنامه زمانه، سال سوم، شماره ۲۴.
۱۸. قدسی، امیر، ۱۳۸۹، «تکامل مفهومی قدرت در نظام ژئوپولیتیک جهانی»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۹.

۱۹. لیلانی، رضا، (۱۳۹۴/۸/۲۳) نفوذ فرهنگی آمریکا در دنیای پسابرجام؛ چرا غرب اصرار دارد انقلاب اسلامی ایران را «در حال تغییر» بنامد؟ قابل دسترسی در:
www.ourpresident.ir/analysis/article
۲۰. ماندل، رابرت، ۱۳۷۷، چهره متغیر امنیت ملی، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۲۱. متقی، ابراهیم، ۱۳۹۴، قدرت نرم و نفوذ در سیاست بین‌الملل، سایت همشهری آن لاین، قابل دسترسی در:
<http://hamshahrionline.ir/details/311662/Iran/viewpoint>
۲۲. محمدی، محسن، ۱۳۹۴، تحول در مفهوم نفوذ، قابل دسترسی در:
www.hadinews.ir/?q=node/6559
۲۳. مرادی، عبدالله (۱۳۹۴/۶/۲۸)، گام‌های راهبردی آمریکا برای نفوذ در ایران، قابل دسترسی در:
www.irna.ir/fa/News/81765629
۲۴. نائینی، علی محمد، ۱۳۸۸، «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدهای نرم غرب علیه ج.ا.ایران»، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هفتم، مرکز مطالعات راهبرد دفاعی.
۲۵. نبویان، سید محمود (۱۳۹۴/۸/۲۰) استراتژی آمریکا برای نفوذ در ایران پس از برجرام، قابل دسترسی در:
www.mashreghnews.ir/fa/news/494267
۲۶. نفوذ؛ برنامه پساتوافق آمریکا علیه ایران (۱۳۹۴/۵/۲۸)، قابل دسترسی در:
www.siasatrooz.ir/vdch6xnw.23nxmdftt2.html
27. Burns, Nicholas, 2015, Explain support for iran accord, available in:
www.pressherald.com/2015/08/19/king-mitchell-explain-support-for-iran-accord
28. Buzan, B.; Lweaver, O., & Wilde, J., 1998, Security; A New Framework Foranalysis. London: Lynne Rienner.
29. Khajeh pour, Bijan, 2013, "Extending Hands and Unclenching Fists Reorienting Irans Outlook Beyond the Nuclear Deal" December 2013
30. Weinthal, Benjamin, 2015, Analysis Iran Nuclear agreement wont improve Human Rights, Foundation for Defense of Democracies, 23jul 2015, available in:
[http://www.defenddemocracy.org/media hit/benjamin-weinthal-analysis-iran-nuclear-agreement-wont-improve-human-rights](http://www.defenddemocracy.org/media-hit/benjamin-weinthal-analysis-iran-nuclear-agreement-wont-improve-human-rights)
31. www.bultannews.com/fa/news/305583
32. www.cnas.org/opinion/how-to-constrain-iran-s-support-for-terrorism#.Vhi1zm77TK
33. www.mic.com/obama
34. www.rajaneews.com/news/244849
35. www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940823000511
36. www.farsnews.com/13950527000538
37. www.jamnews.ir/detail/News/695700